

حقوق اقلیت‌ها در حکومت اسلامی (با محوریت سنت نبوی و علوی)

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره تاپی: ۸۶۳۳

آبان ماه ۱۳۸۶

دفتر: مطالعات فرهنگی

به نام خدا

فهرست مطالب

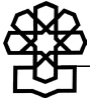
۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	فصل اول - مفاهیم و اصطلاحات
۴.....	دارالاسلام - دارالحرب
۵.....	اهل کتاب (اهل ذمه)
۶.....	جزیه
۶.....	اقلیت
۷.....	مستأمنین (معاهد)
۸.....	هدنه
۹.....	فصل دوم - حقوق اقلیت ها
۱۰.....	الف) حقوق سیاسی
۲۶.....	ب) حقوق اقتصادی - مالی
۲۹.....	ج) حق آزادی فعالیت های اقتصادی و بازرگانی
۳۱.....	د) حق داشتن مسجد و آزادی در انجام مناسک دینی
۳۲.....	فصل سوم - وظایف اقلیت ها در برابر حکومت اسلامی
۳۲.....	الف) وظایف اقتصادی اقلیت ها
۳۶.....	ب) دیگر وظایف اقلیت ها
۳۸.....	ج) ضمانت اجرای قرارداد اهل ذمه
۴۰.....	فصل چهارم - رفتار با اقلیت ها
۴۵.....	نتیجه گیری
۴۶.....	منابع و مأخذ



حقوق اقلیت‌ها در حکومت اسلامی (با محوریت سنت نبوی و علوی)

چکیده

همان‌طور که می‌دانیم در دنیای امروز یکی از مهم‌ترین مسئله‌ای که در حقوق بشر بر آن تأکید شده حقوق اقلیت‌هاست. در گزارش پیش‌رو سعی بر تبیین این مسئله از بعد حکومت اسلامی با محوریت بر سنت نبوی و علوی و به صورت تطبیقی و به فراخور بحث از قانون اساسی به‌عنوان مادر تمامی قوانین جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان مهم‌ترین قانون بین‌المللی استفاده شده است. پس از تعریف اصطلاحات و مفاهیم اسلامی به بررسی روابط متقابل حکومت و اقلیت‌ها با یکدیگر پرداخته شده است.



مقدمه

این گزارش با محوریت حقوق اقلیت‌ها در حکومت اسلامی بیان شده است، با تأکید بر سنت نبوی و علوی نشان داده شده که اسلام کامل‌ترین و جامع‌ترین دینی است که تمام مسلمان را به شکل امت واحد درآورده است.

در این گزارش آمده است که حکومت اسلامی بهترین و آزادترین نظام حکومتی است و قوانین و مقررات این حکومت مبتنی بر رحمت، عطف و بزرگواری و عدالت است. البته تطبیقی هم با قانون اساسی جمهوری اسلامی و اعلامیه حقوق بشر و قوانین ملل صورت گرفته است.

اسلام درباره بیگانگی و اخوت انسانی و یکسانی گوهر وجود تمامی انسان‌ها در خلقت به اصولی چون اصل همزیستی مسالمت‌آمیز میان تمامی ادیان، اصل برابری ذاتی، اصل طهارت ذاتی، اصل ابراز عواطف انسانی، اصل صلح همگانی، اصول روابط مودت‌آمیز، اصل اتحاد و وحدت عمومی (تمامی افراد کنار یکدیگر زندگی کنند)، اصل پایبندی به تعهدات و قراردادهای، اصل امنیت عمومی، اصل رفاه همگانی، اصل عدالت همه‌جانبه و اصل مشارکت عمومی تأکید کرده است.^۱

هدف این گزارش بیان نقطه نظرات اسلام درباره حقوق اقلیت‌هاست تا الگویی مناسب برای دولت اسلامی در دوره کنونی باشد. بدیهی است این گزارش برای اطلاع‌رسانی و تعمیق تفکر در حوزه حقوق اقلیت‌ها در امر قانون‌گذاری کمک می‌کند و در عین حال رویکردی حقوقی این بحث گزارش مستقلی را طلب می‌کند.

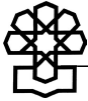
به هر حال یکی از مباحث مطرح در حکومت اسلامی که مسئولیت اداره جامعه

۱. سالک، حمید، حقوق اقلیت‌ها در اندیشه و سیره امام علی (ع)، امام اول نشریه فرهنگ مشارکت، شماره ۲۵.



اسلامی را داراست حقوق اقلیت‌هاست.

این گزارش در صدد پاسخ گفتن به این پرسش است که حقوق اقلیت‌ها در حکومت اسلامی چیست؟ در پاسخ از دو سنت نبوی و علوی کمک گرفته شد تا درباره حقوق اقلیت‌ها در حکومت اسلامی ریشه‌یابی مناسبی صورت گیرد. این ریشه‌یابی به قانون‌گذار جهان‌بینی قانون‌گذاری اسلامی می‌دهد تا هم قانونی وضع شود که با سنت دینی سازگار باشد و هم از عمق و غنای کافی برخوردار باشد. این گزارش به بررسی حقوق اقلیت‌ها در حکومت اسلامی - با محوریت سنت نبوی و علوی - به صورت اختصار معادل آن در قانون اساسی از لحاظ قوانین داخلی کشور و اعلامیه حقوق بشر از لحاظ بین‌المللی می‌پردازد. حال به بررسی اجمالی از مفاهیم و اصطلاحات، حقوق اقلیت‌ها، وظایف اقلیت‌ها و رفتار با اقلیت‌ها و تطبیق آن‌ها با قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر می‌پردازیم.



فصل اول - مفاهیم و اصطلاحات

در این فصل به تعریف مفاهیمی چون دارالاسلام، دارالحرب، اهل کتاب، جزیه، اقلیت، مستأمنین^۱، هدنه پرداخته می‌شود.

این مفاهیم و اصطلاحات اگرچه پاره‌ای دستور مصرف افتاده، ولی در مجموع به عنوان یک سنت تاریخ حکومتی قابل بیان است. پاره‌ای از این اصطلاحات به صورت مستقیم و پاره دیگر غیرمستقیم مورد استفاده در این گزارش قرار گرفته است:

دارالاسلام - دارالحرب

از نظر مسلمانان دو دنیا یا دو دار وجود دارد. دارالحرب شامل تمام حکومت‌ها و سرزمین‌هایی است که خارج از دنیای اسلام بوده و مسلمانان آنان را مشرک یا کافر می‌خواندند و دارالاسلام سرزمین‌هایی که در قلمرو حکومت اسلامی بوده و ساکنین آن از مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی مجاز تشکیل می‌شدند.

این اقلیت‌ها بنابر خواسته خود اسلام را قبول نکرده بودند، ولی با پرداخت مالیات (جزیه) همچنان بر کیش و مذهب خود باقی می‌ماندند و مطابق قوانین مخصوص روابط خود با مسلمین را مشخص می‌کردند و تسلیم حکومت اسلامی می‌شدند و در مقابل از حمایت کامل اسلامی برخوردار می‌شدند.^۲

۱. به قرارداد ورود موقتی غیرمسلمانان به کشور اسلامی امان و به این افراد مستأمنین گفته می‌شود.

۲. آثار الحرب، ص ۱۷۷، ۱۸۰.



اهل کتاب (اهل ذمه)

طبق نظر فقهای اسلام غیرمسلمانان به دو قسم تقسیم می‌شوند:

۱. اهل کتاب (اهل ذمه):^۱ به آن دسته از کافران گفته می‌شود که می‌توانند با انعقاد قرارداد دائم با حکومت اسلامی از حقوق معینی که حداقل آن شامل محترم بودن جان، مال، ناموس، حیثیت آن‌هاست برخوردار شوند.^۲ این قرارداد شبیه قرارداد تابعیت در دنیای امروز است و آنان نیز باید به قوانین کشوری که در آن زندگی می‌کنند پایبند باشند، اینان کسانی هستند که پیرو یکی از ادیان مسیحی، یهودی یا مجوسی^۳ باشند.

در اینجا چند نکته قابل توجه وجود دارد:

الف) برای اهل ذمه انعقاد چنین پیمانی اختیاری بوده و برای دولت اسلامی - در صورت درخواست آنان - الزام‌آور. یعنی بر دولت اسلامی واجب است که درخواست آنان مبنی بر انعقاد پیمان ذمه را بپذیرد.

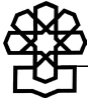
ب) به موجب این پیمان اهل ذمه در برابر دو تعهد اساسی یعنی پرداخت جزیه و الزام به مقررات جامعه اسلامی تقریباً از تمام حقوقی که برای مسلمانان قرار داده شده است بهره‌مند می‌شوند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «با اهل کتاب جز به روشی نیکو مجادله و بحث و گفتگو نکنید مگر کسانی که از آنان ستم کرده‌اند».^۴

۱. ذمه در فارسی به معنای عهد و پیمان و کفالت و امان است: فرهنگ معین.

۲. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۲۷، کاشف الغطاء، جعفر، ص ۲۹۶.

۳. مجوسی: زرتشتی، گروهی از محققان، زرتشتیان را جزء اهل کتاب نمی‌دانند ولی از دید امیرمؤمنان علی (ع) آنان به دلیل داشتن پیامبر و کتاب آسمانی جزء اهل کتاب محسوب می‌شوند. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۴. عنکبوت، آیه ۴۶.



۲. غیر اهل ذمه کافرانی هستند که در چارچوب امان (پناهندگی) و هدنه می‌توانند در جامعه اسلامی زندگی کنند.

جزیه

مالیات سرانه سالانه‌ای است که حکومت اسلامی از اهل کتاب که قرارداد ذمه را امضا کرده‌اند اخذ می‌کند و در مقابل حکومت اسلامی موظف است که آنان را حمایت و آموزشان را به‌طور کامل اداره کند.

اقلیت

اقلیت‌ها یا بیگانگان به دسته‌ای از افراد گفته می‌شود که به‌رغم اختلاف خود در کنار سایر شهروندان یک کشور زندگی می‌کنند. در دوره گذشته به گروه اقلیت به دیده بیگانه نگاه می‌شد.

اقلیت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. اقلیت‌های سیاسی: در نظام سیاسی هر کشور بیگانگانی هستند که از نظر خون، زبان، نژاد با اکثریت افراد آن کشور تطبیق نمی‌کنند،

۲. اقلیت‌های مذهبی: از نظر نظام مذهبی افرادی که پیرو مذهب حاکم یا اکثریت ملت آن کشور نباشند بیگانه اطلاق می‌شود.

گروه دیگری از اقلیت‌های مذهبی که در داخل یک دین مذاهب مختلفی ایجاد شده است.

اسلام به‌عنوان یک دین مذاهب متعددی دارد که در یک تقسیم‌بندی کلی به شیعه و سنی تقسیم می‌شود که هر یک به مذاهب فرعی‌تری تقسیم می‌شوند.



مستأمنین (معاهد)

به آن دسته از کافرانی که پیرو هیچ یک از ادیان الهی نیستند گفته می‌شود که بیگانگان غیراهل ذمه می‌توانستند با بستن قرارداد «امان» یا «پناهندگی» در جامعه اسلامی اقامت کنند. اینان کسانی بودند که با مسلمانان جنگ و ستیز داشتند، ولی بعدها اسلحه خود را کنار گذاشته و قبل از این‌که اسیر شوند با مسلمانان پیمان عدم تعرض می‌بستند.^۱ البته می‌توانستند قرارداد خود را که به صورت ورود موقتی بود به قرارداد ذمه تبدیل کنند.^۲

مستأمنین به دو طریق از مسلمانان امان می‌گرفتند:

طریقه نخست: همان امان رسمی است. با انعقاد آن معاهده صلح و یا ترک مخاصمه با کشور اسلامی یا نماینده آن کسب می‌شد و به موجب آن غیر مسلمانانی که تا به حال در حال جنگ بودند اکنون غیرمسلمان معاهد و هم‌پیمان با مسلمانان شمرده می‌شوند و می‌توانند بدون هیچ‌گونه مشکلی به مدت یک سال^۳ در جامعه اسلامی اقامت کرده و در پناه حکومت اسلامی باشند.

ادله این چنین روابط با بیگانگان (مشرکان) در قرآن و سنت موجود است. از جمله می‌توان به این آیه شریفه اشاره کرد که خداوند متعال فرموده: «اگر کسی از مشرکان از تو پناه خواست به او پناه بده تا سخن خدا را بشنود. آنگاه او را به جایگاه امن خودش بفرست».^۴ این آیه از ادله فقهی امان شمرده می‌شود.^۵

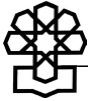
۱. الشرایع، کتاب الجهاد، ص ۸۹.

۲. نجفی، جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۲۸.

۳. اگر اقامت از یک سال تجاوز می‌کرد مستأمنین، ذمی شناخته می‌شدند و باید جزیه می‌پرداختند.

۴. توبه، آیه ۶.

۵. نجفی، جواهرالکلام، ج ۲، ص ۹۲.



البته بدیهی است که اگر احیاناً مستأمنین از امتیازاتی که به آن‌ها داده شده، سوءاستفاده و یا اگر امام حکومت اسلامی تشخیص دهد امان به نفع جامعه اسلامی نیست می‌تواند آن را فسخ کند.

طریقه دوم: اعطای امان غیررسمی است که هر مسلمان عاقل و بالغی می‌توانست به غیرمسلمان بدهد و شیوه اعطای آن نیز بسیار سهل بوده است. فقط کافی بود به هر صورتی (زبانی، اشاره، کنایه) علامتی مبنی بر دادن امان رساندن باشد.^۱

البته این‌گونه امان دادن به هیچ وجه بی‌حساب نبوده که عده‌ای از این طریق بتوانند در جامعه اسلامی رسوخ کرده و باعث ناامنی و هرج و مرج شوند، بلکه اگر ثابت می‌شد که فرد مستأمن به قصد جاسوسی و کمک به کشور و ملت خود وارد دارالاسلام شده ممکن بود به مرگ محکوم شده یا اگر مرتکب قتل، غارت، زنا می‌شد، هر چند ممکن بود امان او نقص نشود ولی به‌طور حتم مجازات اسلامی می‌شد.^۲

هدهنه

به پیمان‌هایی گفته می‌شود که حاکم اسلامی براساس مصلحت (زمان، مکان) با مشرکان می‌بندد و طرفین از تعرض یکدیگر مصون می‌مانند.^۳

اما نکته مهم این است که علاوه بر در نظر گرفتن مصالح جامعه اسلامی و پیشبرد اهداف، نظام مقدس اسلام چارچوب‌های شرعی معینی را مدنظر قرار می‌دهد.^۴

۱. کتاب الشرایع، ص ۸۹.

۲. کتاب‌الخراج، ابو یوسف، ص ۱۱۷.

۳. نجفی، جواهرالکلام، ج ۲، ص ۲۹۱.

۴. صرامی، سیف‌ا...، احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر، ص ۲۷۱ به بعد.



حال در اینجا تفاوت اصلی که میان اهل کتاب (اهل ذمه) با سایر کافران پیش می‌آید این است که اهل کتاب علاوه بر حفظ آیین خود در جامعه اسلامی به نوعی پذیرفته و از مصونیت و احترام برخوردار می‌شوند که در اصطلاح عرفی حقوق بین‌الملل کنونی به شناسایی یا عدم شناسایی ادیان اطلاق می‌شود. در حالی که سایر کافران و مشرکان از طریق امان و هدنه در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند. دلیل شرعی شناسایی اهل کتاب در قرآن آمده است:

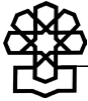
«خداوند شما را از این باز نمی‌دارد که با کسانی که با شما بر سر دین به جنگ نمی‌پردازند و شما را از سرزمین خود بیرون نمی‌رانند، به نیکی رفتار کنید و با آنان با عدالت برخورد کنید. همانا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد».^۱

مضمون این آیه شریفه این است که نیکی و عدالت اقتضا می‌کند که اگر در چارچوب یک کشور گروهی با آیین‌های متفاوت از اسلام زندگی کنند و به قوانین اساسی و عادی معین کشوری که در آن هستند احترام بگذارند، حکومت و نظام اسلامی هم باید حقوق ملی آن‌ها را که براساس همین مقررات تعیین می‌شود را به رسمیت بشناسد.

فصل دوم - حقوق اقلیت‌ها

در آن زمانی که دولت‌ها (چه دینی / چه غیردینی) برای بیگانگانی که ساکن در کشورشان بودند فقط از سر ضرورت و اجبار کم‌ترین امتیاز و حقی برایشان قائل

۱. ممتحنه آیه ۸.



بودند، دین مبین اسلام از همان روزهای آغازین خود از چهارده قرن پیش بیش‌ترین، بهترین و کامل‌ترین حقوق را به‌طور یکجانبه و به صورت اصل خودالزام به افرادی که مسلمان نبودند و بیگانه یا خارجی اطلاق می‌شدند هدیه داد و حتی در برابر محرومیتی که در بعضی از حقوق ویژه اتباع دولت اسلامی بود آنان را از برخی وظایف مهم معاف کرد.

امروزه این حقوق و امتیازات که شامل حفظ جان، ناموس، حیثیت، اموال، ... است با عنوان «حداقل حقوق انسانی برای بیگانگان» شناخته می‌شود.

حال به بررسی اجمالی حقوق اقلیت‌ها - از دید سنت نبوی و علوی - پرداخته می‌شود و در قالب دو تقسیم‌بندی حقوق سیاسی - حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان می‌پردازیم.

الف) حقوق سیاسی^۱

در بخش حقوق سیاسی اقلیت‌ها به موضوع‌هایی چون آزادی عقیده، حق آزادی بیان و اظهارنظر، حق امنیت و مصونیت، حق قانون‌گذاری، حق برخورداری از عدالت اجتماعی، حق اعتراض به عملکرد حاکمان اسلامی، حقوق شخصی و مدنی که به هر یک به‌طور مختصر پرداخته می‌شود:

۱. حق آزادی عقیده: دین مبین اسلام براساس آزادی عقیده و عدم اکراه در دین هیچ‌گاه محکمه تفتیش عقاید به وجود نیاورد و هیچ زمانی عقاید دینی خود را بر دیگران تحمیل نکرده است. بلکه پیامبر گرامی اسلام و امامان بعد از او اصول و

۱. شریعتی، روح الله، اقلیت‌های دینی، دفتر شانزدهم، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵.



معارف اسلام را به دیگران عرضه می‌کردند و مردم خود در پذیرفتن یا عدم پذیرفتن آن اصول دارای آزادی کامل بودند و هیچگاه در مقابل پافشاری سایر ادیان در باقی ماندن به کیش و عقاید خود و نگرودن به اسلام از راه زور وارد نمی‌شدند.

خداوند در قرآن خطاب به پیامبر خود می‌فرماید: «ای پیامبر ما تو را گواه، بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم».^۱
و در جای دیگر می‌فرماید: «ما تو را ای پیامبر جز آنکه رحمتی برای عالمیان باشی نفرستادیم».^۲

فضای ابراز عقاید به حدی بود که در یک گفتگو میان یهود با پیامبر اکرم (ص) – پس از این‌که پیامبر آنان را به اسلام دعوت کرد – در پاسخ به آن حضرت گفتند: «ای محمد ... ما از دین خودمان دست برنمی‌داریم چرا که ما بر هدایت و حق هستیم و هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم و از تو پیروی نمی‌کنیم».^۳

پیامبر هیچگاه کسی را بر ترک عقیده خود و پذیرش اسلام مجبور نکرد حتی کنیز آن حضرت (ریحانه) مدت‌ها طول کشید که مسلمان شود.^۴

این موضوع نیز در اصل بیست‌وسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مأخذ قرار داد».

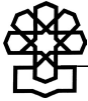
و نیز در بند «۷» اصل سوم تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود

۱. احزاب، آیه ۴۵.

۲. انبیاء، آیه ۱۰۷.

۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۴۷.

۴. ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۴، ص ۶۰۴.



قانون خاطرنشان شده است. علاوه بر آن در قوانین بین‌المللی در ماده (۱۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حق آزادی عقیده تأکید داشته است.

۲. حق آزادی بیان و اظهارنظر: غیرمسلمانان مانند مسلمانان حق دارند در موارد مختلف عقیدتی، فکری، قانونگذاری، سیاسی اظهارنظر کنند، آنان بدون هرگونه فشار و ترس می‌توانند بحث و گفتگو کنند و اسلام این حق را در راستای مبانی و اهدافش در استفاده از نیروی عقل با استدلال و برهان تثبیت کرده است و هرگز مانعی برای این‌که انسان رأی خویش را آزادانه بدون تقلید بگوید ایجاد نکرده است.

قرآن مجید به رسول اکرم (ص) فرموده است تا با حکمت و جدال احسن، انسان‌ها را به اسلام دعوت کند. «به سوی راه پروردگارت با حکمت و پند نیکو بخوان و بهترین شیوه گفتگو با آنان را برگزین».^۱

در سیره امام علی (ع) نیز مشاهده می‌کنیم که وقتی شخص یهودی به امام گفت: «شما از دفن پیامبرتان فارغ نشده بودید که اختلاف کردید. امام در جوابش فرمود: ما در آن چه از او رسیده بود اختلاف کردیم، ولی درباره خود آن حضرت اختلاف نداشتیم».^۲

دیگر این‌که اهل کتاب برای این‌که آموزه‌های دینی خود را به فرزندان و پیروان خود انتقال دهند، حتی می‌توانند مراکزی برای پرداختن به امور دینی خود داشته باشند و همچنین می‌توانند تورات و انجیل و دیگر کتاب‌های خود را نوشته و چاپ و نشر کنند.^۳

۱. نحل، آیه ۱۲۵.

۲. نهج‌البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۲۱.

۳. امام خمینی (ره) تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۰۷.



محققان غربی به نحوه برخورد خوب مسلمانان با آنان اشاره کرده‌اند. سیمون مسیحی می‌گوید: «مسلمانان که خداوند سرزمین‌ها را به آنان داد هرگز به دین مسیحیت حمله نکردند، آنان ما را در دین یاری می‌کردند و احترام خدا و قدیسان ما را داشتند»^۱

اصل سیزدهم - «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در اموال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند».

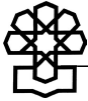
حق آزادی بیان و اظهارنظر در اصولی مانند سیزدهم و بیست‌وششم و بیست‌وهفتم لحاظ گشت. در اصل بیست و ششم چنین آمده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و منفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت».

همچنین در اصل بیست‌وهفتم این قانون نیز آمده «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است».

در قانون فعالیت اقلیت‌های دینی شناخته شده در ماده (۴) چنین آمده است: «انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل سیزدهم قانون اساسی تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت است».

در توضیح این ماده، ماده (۵) منظور از کلیه گروه‌های مذکور در مواد بعدی این

۱. سیدامیرعلی، روح‌الاسلام، ص ۲۶۵.



قانون «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» موضوع اصل بیست‌وششم قانون اساسی است.^۱ در قوانین بین‌الملل نیز در ماده (۲۰) اعلامیه حقوق بشر همچنین آمده: «۱. هر شخص حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز بهره‌مند شود.

۲. هیچ‌کس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد».

۳. **حق امنیت و مصونیت:** از دیگر مسئولیت‌هایی که به‌عهده حکومت اسلامی است تأمین امنیت و عدم تعرض به اقلیت‌هایی است که قرارداد ذمه را امضا کرده و جزو تابعیت حکومت اسلامی شده‌اند. اینان جان، مال، ناموس، اقامتگاه و اماکن مذهبی‌شان از تجاوز مصون است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر که به شخصی که در پناه اسلام است ظلم کند و او را کم انگارد، بیش از طاقتش بر او تکلیف کند یا چیزی بدون اجازه از او بگیرد در قیامت من خصم او خواهم بود».^۲

امیرمؤمنان علی (ع) به والی خود در مصر چنین سفارش کرد که «امنیت را در میان اهل ذمه برقرار سازد و به تعهدات خویش نسبت به آنان پایبند و از آنان حمایت کند» و فرمود «رحمت به رعیت، محبت و لطف به آنان را شعار دلت ساز و برای آنان درنده‌ای خون‌خوار مباش که در دریدن آنان را مغتنم شماری، چرا که آنان دو گروهند یا برادر دینی تو هستند و یا انسانی همانند تو».^۳

۱. قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، مصوب ۱۳۶۰/۶/۷.

۲. ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۹.

۳. نهج‌البلاغه، ص ۴۲۷.



حضرت هنگام انتصاب مالک به فرمانداری مصر فرمود: «هیچ‌گاه به پیمان‌ت خیانت مکن، هرگز آن را نقض مکن و دشمن‌ت را فریب مده». ^۱ لزوم پایبندی به وفاداری به پیمان‌ها تا بدان جا بود که حضرت فرمود: «کسی که به عهد و ذمه خود وفا نکند به خداوند یقین ندارد». ^۲

امام در مورد برخورداری اهل کتاب از امنیت فرمود: «آن‌ها یعنی اهل ذمه عقد ذمه را قبول کردند برای این‌که اموال، جان، خون آن‌ها مثل ما باشد». ^۳

در اصل بیست‌ودوم قانون اساسی، «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» تأکید شده است و نیز در اصل نوزدهم «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود» برای تحقق این امر مجلس شورای اسلامی در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۴ قانون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی را تصویب کرد. ^۴

در اعلامیه حقوق بشر نیز در مواد مختلفی به آزاد بودن بشر و برابری افراد در کرامت و حقوق و حیثیت بدون توجه به نژاد، رنگ، جنس، زبان و عقیده... تأکید و بیان شده «هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی و اجتماعی را چه در سطح ملی و بین‌المللی داراست». ^۵

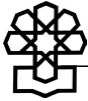
۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. عبدالواحد بن محمد آمدی: غررالحکم و دررالکلم، شماره ۹۵۷.

۳. دکتر اسعد شیخ الاسلامی، حقوق اقلیت‌های دینی در اسلام، به نقل از امام کاشانی در کتاب البدایع، ج ۷، ص ۱۱۷.

۴. مراجعه شود به: قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به اصلاحیه ماده (۸) کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی.

۵. به مواد (۱)، (۲)، (۳) و (۲۲) اعلامیه حقوق بشر مراجعه شود.



۴. حق قانون‌گذاری: حق قانون‌گذاری به اقلیت‌ها در دینی که آزادانه آن را انتخاب کرده‌اند از دیگر امتیازاتی است که اسلام به آن‌ها داده است و اسلام هیچ‌گونه دخل و تصرفی بر اعتقادات آنان نمی‌کند. امام صادق (ع) فرمودند: «هر گروهی که به دینی معتقدند احکام آن دین بر آنان ثابت خواهد شد». ^۱

حتی اسلام نحوه عبادت اقلیت‌ها را نیز پذیرفته است. مثلاً در صدر اسلام گروهی از نصاری نجران به مسجد پیامبر (ص) آمدند و به سوی شرق نماز خواندند. پیامبر اعتراضی به آنان نکرد و آنان را در انجام عبادت خود آزاد گذاشت. ^۲

آنان حق دارند مطابق شریعت خود عمل کنند. مثلاً چیزی که در اسلام حرام است و نزد آنان حلال است، مانند نوشیدن شراب یا مالک چیزی باشند که در اسلام مسلمین مالک آن نمی‌شوند و ... در اعمال خود آزادند.

حق قانون‌گذاری آنان در احکام شرعی که شامل ازدواج، طلاق، ارث، وصیت، ملکیت و ... است، می‌شود، اگرچه از دید مسلمانان نادرست باشد. ^۳

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای برپایی این حق اقلیت‌ها در اصولی مانند شصت و چهارم و شصت و هفتم بدان ذکر شده است.

در اصل شصت و چهارم: تعداد نمایندگان و حتی افزایش تعداد آنان نیز مدنظر قرار گرفته شده است «.... زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین

۱. طوسی، الاستبصار، ج ۴، ص ۱۸۹.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۲۳-۲۲۴.

۳. سرخسی، المبسوط، ج ۶، ص ۱۸۲.



می‌کند... در صورت افزایش جمعیت هر یک از اقلیت‌ها پس از هر ده سال به ازای هر یکصد و پنجاه هزار نفر اضافی یک نماینده اضافی خواهند داشت. مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین می‌کند».

با الهام از این اصل در تبصره ماده (۲) و ماده (۱۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی بیان شده است.^۱

قانون اساسی درخصوص نحوه سوگند نمایندگان اقلیت‌ها در مجلس مطلب را روشن نموده است. در اصل شصت و هفتم قانون اساسی «... نمایندگان اقلیت‌های دینی سوگند را با ذکر کتاب آلمانی خود یاد خواهند کرد».

در تبصره «۲» ماده (۲۸) قانون انتخابات چنین آمده: «داوطلبان نمایندگان اقلیت‌های دینی مطرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام مذکور در بند «۱» (اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران) مستثنا بوده و باید در دین خود ثابت‌العقیده باشند».^۲

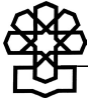
حتی درخصوص نحوه اجرای انتخابات برای اقلیت‌ها در مواد مختلفی مجلس شورای اسلامی قوانینی را به تصویب رساند. در ادامه به برخی از این آیین‌نامه‌های اجرایی قانون انتخابات مجلس اشاره می‌شود.

تبصره «۲» ماده (۳۲) درباره انتخاب معتمدین اصلی و علی‌البدل هیئت اجرایی موضوع ماده (۳۱) در مورد اقلیت‌ها آمده است:

«معتمدین این ماده باید دارای ایمان و التزام عملی به اسلام (بجز حوزه‌های

۱. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۶۰-۱۳۷۸/۹/۱۸.

۲. همان.



اقلیت دینی) و قانون اساسی و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل مؤثر در تحکیم رژیم سابق و وابسته به گروه‌های غیرقانونی نباشند.^۱

در تبصره «۲» ماده (۱۴) «فرماندارانی که انتخابات اقلیت‌های دینی را برگزار می‌کنند، موظفند برای تعیین معتمدان هیئت اجرایی اقلیت‌ها از سی (۳۰) نفر معتمدان همان اقلیت دعوت کنند.

به منظور جلوگیری از تضییع حقوق داوطلبان اقلیت‌ها در تبصره «۱» ماده (۲۳) فرمانداران تهران و اصفهان موظفند فهرست اسامی و مشخصات داوطلبان هر یک از اقلیت‌های دینی را جداگانه به ستاد انتخابات کشور اعلام می‌کنند.

در ماده (۳۷) این آیین‌نامه فرمانداران تهران و اصفهان موظفند پس از دریافت نظریه شورای نگهبان درخصوص صلاحیت داوطلبان از وزارت کشور، ضمن ابلاغ نظر شورای نگهبان درخصوص رد صلاحیت به داوطلبان ذی‌ربط حداکثر ظرف یک روز آگهی اسامی کلیه نامزدهای انتخابی اقلیت‌های دینی تأیید شده را، فرمانداران و بخشداران مذکور رأساً و به‌طور جداگانه برای هر یک از اقلیت‌های دینی نسبت به چاپ و انتشار آگهی اقدام کنند.

تبصره ماده (۵۶) فرمانداران تهران و اصفهان به‌عنوان فرمانداران مراکز حوزه‌های انتخابیه اقلیت‌های دینی، می‌توانند وظیفه انتشار آگهی انتخابات را به فرمانداران و بخشداران حوزه‌های فرعی اقلیت‌های دینی محول کنند.^۲

در ماده (۶) اعلامیه حقوق بشر ذکر شده است: «هر کس حق دارد که شخصیت

۱. آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس، مصوب ۱۳۷۸/۹/۷.

۲. آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس، مصوب ۱۳۷۸/۹/۲۱.



حقوقی‌اش در همه جا به رسمیت شناخته شود».

و در ماده (۷) این اعلامیه به برابری تمامی افراد در مقابل قانون بدون هیچ تبعیضی اشاره شده است. در بند «۱» ماده (۲۱) «هر شخصی حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود به‌طور مستقیم یا به وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید. در بند «۳» ماده (۲۱) آمده: «اراده مردم اساس قدرت حکومت است. این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به‌طور ادواری صورت می‌پذیرد. انتخابات باید عمومی، با رعایت مساوات و با رأی مخفی یا به طریقه‌ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند».

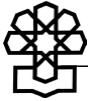
اعلامیه جهانی حقوق بشر حتی در مورد ازدواج افراد نیز اظهارنظر کرده و ازدواج هر مرد و زن بالغی را بدون در نظر گرفتن نژاد، ملیت یا دین با رضایت و آزادی کامل صحه گذاشته است.^۱

۵. حق برخورداری از عدالت اجتماعی: از دید اسلام برقراری قسط و عدل در حکومت اسلامی از وظایفی است که شامل تمام افرادی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند - چه مسلمان و چه غیرمسلمان - می‌شود.

غیرمسلمانان نیز مانند مسلمانان از حق تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه‌ها، حق اعتراض به عملکرد حاکمان، حق دادخواهی برخوردارند.

درباره برقراری عدالت در قرآن مجید آمده است: «خداوند به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان‌شان بازگردانید و هر زمان که بین مردم حکم می‌کنید به

۱. ماده (۱۶) اعلامیه.



عدالت حکم کنید».^۱

رعایت عدل و انصاف و اصل تساوی در برابر قانون برای جلوگیری از ظلم و گسترش عدالت از مهم‌ترین دغدغه‌های امام علی (ع) بود. در نگاه ایشان ستم به هر کس و از هر کس قبیح است. امام علی (ع) «ستم به ضعیف را فاحش‌ترین ستم می‌دانست».^۲ در سیره نبوی نیز پافشاری رسول اکرم به عدالت در هنگام حکم میان اهل کتاب و مسلمانان و در میان خود اهل کتاب باعث شد آنان از پیامبر درخواست کنند برای آنان قاضی بفرستد.^۳

اسلام به غیرمسلمانان نیز اجازه رجوع به دادگاه‌های اسلامی برای دادخواهی، داوری و حمایت قضایی در جهت اقامه عدالت و رعایت حقوق و پایان دادن به اختلافات داده است. بنابراین آن‌ها می‌توانند مطابق میل خود به دادگاه اسلامی بروند و حاکم اسلامی نیز مخیر است داوری آن‌ها را بپذیرد یا رد کند؛ ولی اگر پذیرفت باید به عدالت رفتار کند و حکم دهد. در قرآن آمده است: «اگر برای داوری به نزد تو آیند تو یا میان‌شان داوری کن یا نپذیر و اعراض کن ... و اگر داوری کردی پس به قسط داوری کن چرا که خداوند عادلان را دوست می‌دارد».^۴

امیرمؤمنان همیشه می‌فرمود: مسیحی، یهودی و مجوسی اگر از هم بکشند قصاص می‌شوند و در صورتی که از عمد کشته باشند هر کدام در برابر دیگری کشته می‌شود.^۵ قاضی به‌عنوان کسی که برای برقراری عدالت در جامعه اسلامی کوشش می‌کند

۱. نساء، آیه ۵۸.

۲. عبدالواحد بن محمد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، شماره ۸۶۵.

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه ج ۴، ص ۹۹.

۴. مائده، آیه ۴۲.

۵. کافی، ج ۷، ص ۳۰۹.



نباید در دادگاه فرقی بین طرفین قائل شود حتی اگر یک طرف دعوی رئیس حکومت اسلامی باشد، باید تساوی افراد برقرار شود. در این راستا می‌توان به ماجرایی قضایی شخصی یهودی با حضرت امیر در مورد زره آن حضرت اشاره کرد که هر دو به نزد قاضی اسلامی رفتند و چون قاضی ادله و شاهدان حضرت علی (ع) را نپذیرفت، رأی بر مالکیت زره یهودی داد.^۱

بند «۹» اصل سوم قانون اساسی: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مالی و معنوی».

بند «۶» همین اصل: «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» تأکید شده است.

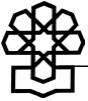
اصل سی و چهارم - «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

اصل سی و پنجم - «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید آن‌ها امکانات تعیین وکیل را فراهم کنند».

در بند «۱۴» اصل سوم آمده: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» از وظایف دولت است.

اصل سی و هشتم - «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۵۶، باب ۱۰۵، ج ۶.



و به موجب قانون باشد». همچنین آمده است «تا زمانی که از نظر قانون شخصی مجرم شناخته نشده نمی‌توان او را شکنجه و هتک حرمت یا زندانی کرد».^۱

در اعلامیه جهانی حقوق بشر درخصوص برخورداری افراد از عدالت اجتماعی آمده است:

ماده (۷)

«همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید از حمایت یکسان قانون بهره‌مند شوند».

ماده (۸)

«در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند - حقوقی که قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است - هر شخصی حق مراجعه مؤثر به دادگاه‌های ملی صالح را دارد».

ماده (۹)

«هیچ‌کس را نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد».

ماده (۱۰)

«هر شخص با مساوات کامل حق دارد که دعایش در دادگاهی مستقل و بی‌طرف،

۱. به اصول ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی مراجعه شود.



منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات وی یا هر اتهام جزایی که به او زده شده باشد تصمیم بگیرد».

ماده (۵)

«هیچکس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضدانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد».

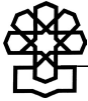
۶. حق اعتراض به عملکرد حاکمان اسلامی: وظیفه حاکم اسلامی است که با غیرمسلمانانی که در پناه کشور اسلامی زندگی می‌کنند با میانه‌روی و نرم‌خویی رفتار کنند.

در نهج‌البلاغه آمده است: کشاورزان غیرمسلمان یکی از شهرها از برخورد خشن حاکم به امام علی (ع) شکایت کردند. ایشان در نامه‌ای ضمن پذیرش اعتراض شاکیان به عملکرد نادرست حاکم، به او سفارش کرد که نرمش و سختی را تاروپود سیاست خویش کند و میانه‌روی را فراموش نکند.^۱

اصل هشتم قانون اساسی - «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند...».

۷. حقوق شخصی و مدنی: اسلام از تمام حقوق مدنی اهل ذمه مانند تکریم همه انسان‌ها، ممنوعیت به کارگیری دروغ، نیرنگ و تدلیس، ممنوعیت ورود به خانه آن‌ها بدون اجازه‌شان، ضرورت پایبندی به تعهدات، حق ازدواج، طلاق، جواز وقف اموال برای ساختن

۱. نهج‌البلاغه، نامه ۱۹.



معبد، حق توکیل... دفاع کرده است.

پیامبر خدا عقد ازدواج و طلاق، وصیت و صدقه دادن به مشرکان را به رسمیت شناخت.^۱

در مورد شیوه سوگند خوردن اهل کتاب در دادگاه که آنان براساس کتاب خود قسم یاد می‌کنند. حضرت علی (ع) فردی یهودی را به توراتی که بر موسی (ع) نازل شده است سوگند داد.^۲

اسلام حقوق اجتماعی غیرمسلمانان را هم رعایت کرده است و دستور به خوش‌رفتاری با آنان را به مسلمانان داده است.

پیامبر اکرم (ص) با اهل ذمه روابط اجتماعی برقرار کرده بودند و به منازل یکدیگر رفت و آمد داشتند و همیشه از بیمارانشان عیادت می‌کردند و هر زمانی که با جنازه مرده‌ای از آنان برخورد داشت برای تشیع آن برمی‌خواست.^۳

از نمونه‌های همنشینی و خوش رفتاری با اهل ذمه در مورد همراهی حضرت علی (ع) و فرد یهودی می‌بینیم که وقتی آن یهودی همسفر خواست در مسیری از حضرت جدا شود امام (ع) مقداری او را بدرقه کرد: آن یهودی تعجب کرد و از امام پرسید چرا از راه خود منحرف شدی و با من آمدی امام فرمود: این از کمال همنشینی نیکو است که انسان رفیق همراه خودش را به هنگام جدایی قدری بدرقه کند و پیامبر ما چنین دستوری داده است. آن یهودی گفت: قطعاً کسانی که از آن پیامبر پیروی

۱. شافعی، آلام، ج ۵، ص ۵۵، سنت الدارمی، ج ۲، ص ۴۲۷ و الاموال، ص ۶۰۵.

۲. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۷، ص ۴۵۱.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۷۰.



کرده‌اند تنها به دلیل این رفتار کریمانه بوده است.^۱

این خوش رفتاری باعث شده بود که غیرمسلمانان در بعضی حوادث یا اور مسلمانان شوند. در سال‌های نخست اسلام اهل ذمه از شهرهای شام جاسوسانی گسیل می‌داشتند تا مسلمانان را از خبرهای دشمنان اسلام آگاه کنند.^۲

اصولی مانند سیزدهم، بیستم، بیست و دوم و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این موضوع تأکید کرده است.

در ماده (۱۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره شده است: «نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون حق هر شخصی است».

۸. **حق انتخاب مسکن:** اهل ذمه (اقلیت‌ها) می‌توانند هنگامی که تابعیت دولت اسلامی را پذیرفتند مانند مسلمانان در هر کجای دارالاسلام که بخواهند سکنا گزینند. از اعطای این حق نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. داشتن اقامتگاه دائمی تابع اراده خود اقلیت‌هاست،

۲. آنان می‌توانند چندین اقامتگاه داشته باشند،

۳. ورود به دارالاسلام تابع قرارداد است،

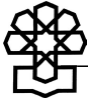
۴. حق خروج از سرزمین‌های اسلامی را دارند.^۳

اصل سی و یکم قانون اساسی - «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و

۱. همان.

۲. الخراج، ص ۱۳۹.

۳. راعی، مسعود، حقوق اقلیت‌ها در نظام علوی، نشریه معرفت، شماره ۳۷.



خانواده ایرانی است...».

اصل سی و سوم - «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت. مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد». درخصوص قابلیت اصل چهل و یکم «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید. می‌داند اصل چهل و دوم «اتباع خارجه می‌تواند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها درخواست کنند».

در ماده (۱۳) اعلامیه درخصوص حق انتخاب مسکن می‌خوانیم:

«۱. هر شخص حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را برگزیند.

۲. هر شخص حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد».

در ماده (۱۴) و (۱۵) اعلامیه به مسئله پناهندگی و تابعیت اشاره شده است.

(ب) حقوق اقتصادی - مالی

قوانین اسلام حقوق مالی و اقتصادی غیرمسلمانان را پذیرفته و تجاوز به اموال آنان را حرام دانسته است. بنابراین اسلام از آنان در برابر دشمنان حمایت می‌کند و در



مقابل جزیه‌ای را واجب کرده است.^۱

حتی در مورد جزیه نیز تفاوت‌هایی قائل شده است.^۲

قوانین دین مبین اسلام برای برپایی حقوق اقتصادی و مالی اهل ذمه پیمان ضمان، حق کار و رسیدگی به امور فقرای اهل ذمه را در نظر دارد.

اسلام برای حفظ اموال اهل ذمه قانون ضمان را وضع کرده است. یعنی هر کس چیزی از اموال آنان را ضایع کند، ضامن است، گرچه آن چیز از نظر مسلمانان بی‌ارزش یا اصلاً مال محسوب نشود. بنابراین اگر شراب یا آلت سهو آنان را از بین برد تلف کننده گرچه مسلمان باشد ضامن است و باید آن را جبران کند.

البته در صورتی که آن ذمی اصل پنهان‌سازی را رعایت می‌کرده است.^۳

از دیگر حقوق اهل ذمه در سرزمین‌های اسلامی - مانند سایر شهروندان - حق کار است و نیز آنان را نمی‌توان به انجام کاری اجبار کرد و مشارکت آنان با مسلمین در کارهای مختلف تجاری، زراعی... پذیرفته شده و دولت اسلامی از آنان درباره کارها و مشاغلی که شرط انجام آن اسلام نیست کمک می‌گرفته است.^۴

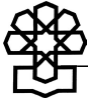
از طرفی دیگر اسلام حاکمان اسلامی را به رسیدگی به نیازمندی‌های فقرا و مستضعفان اهل ذمه نیز موظف کرده است. پیامبر خدا همیشه اموال خود را به محتاجان - چه مسلمان و چه غیرمسلمان - اهدا می‌کرد و جویای کار آنان بود. ایشان

۱. النهایه، ص ۷۴۹ و فی‌الفقه، ص ۳۹۵.

۲. شذی، خفاجی، ص ۱۱۸.

۳. شرایع‌الاسلام، ج ۴، ص ۲۸۶.

۴. شذی خفاجی، ص ۱۱۸.



به‌طور مستمر به خانواده‌های یهود صدقه می‌داد.^۱

پیامبر اکرم (ص) حتی همسر خویش (صفیه) را از کمک به اقوام یهودیش منع نمی‌کردند.^۲ در سیره عملی حضرت علی (ع) نیز چنین آمده است که ایشان به پیرمرد نابینای کهن سال که گدایی می‌کرد برخورد کرد فرمود این کیست؟ در جواب گفتند مسیحی است. حضرت فرمود: از او کار کشیده‌اید تاکنون که پیر و ناتوان شده محروم‌ش ساخته‌اید. از بیت‌المال مخارج او را بپردازید.^۳

اصل بیست‌وهشتم - «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند».

بند «۲» اصل چهل‌وسوم - «... تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی...» از وظایف دولت است.

و نیز در بند «۴» «... این اصل به رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری ... تأکید شده است».

در اصل بیست و دوم «مصون بودن شغل افراد از تعرض مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند لحاظ شده است».

در اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده (۲۳) آمده است:

۱. ابوعبید، الاموال، ص ۶۵.

۲. همان.

۳. طوسی، محمد حسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۹۳.



۱. هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی کاری حمایت شود.
۲. همه حق دارند که بی هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، مزد مساوی بگیرند.
۳. هر کسی که کار می کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت دارد.
۴. هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد یا به اتحادیه های موجود بپیوندد.

ج) حق آزادی فعالیت های اقتصادی و بازرگانی

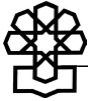
از جمله برنامه های اسلام تشویق به کار و انجام فعالیت اقتصادی است. تا آنجا که رسول اکرم (ص) هرگاه به جوانی برخورد می کردند در آغاز از شغل او می پرسیدند. اگر شخص بیکاری بود از او روی برمی گردانیدند و اگر هنری داشت او را تشویق می کردند و می فرمودند: «ارزش انسان به کار و حرفه اوست».^۱

اقلیت ها نیز در انتخاب شغل خود مختارند به شرط آنکه ایجاد فساد نکرده و نظم اجتماعی جامعه اسلامی را مختل نکنند. البته حکومت اسلامی نیز در هر زمانی که مصلحت کشور ایجاب کند می تواند محدودیت هایی را اعمال کند. مثلاً می تواند از پرداختن به شغل خاص یا ایجاد رابطه قراردادی با تبعه کشوری خاص جلوگیری کند ولی اگر طبق قرارداد مشکلی پیش نیامد این روابط آزاد است.

در ذیل به حقوقی که زیرمجموعه حقوق آزادی اقتصادی است اشاره می کنیم:

۱. **حق مالکیت:** در اسلام مالکیت اموال اهل ذمه مانند جان آنان محفوظ بوده و

۱. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، باب ۵ و ۱۸.



به رسمیت شناخته شده است و هرگونه تعرض نسبت به اموال آنها منوط به اجازه خود آنان است.^۱

اصل بیست و دوم - «مال اشخاص را از تعرض مگر در موارد قانونی تأکید شده است».

اصل چهل و هفتم - «مالکیت شخصی که از راه مشروح باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند».

اصل چهل و هشتم - «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند».

در ماده (۱۷) اعلامیه حقوق بشر درخصوص حق مالکیت آمده:

«۱. هر شخص به تنهایی یا به صورت جمعی حق مالکیت دارد.

۲. هیچ کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد».

۲. **آزادی تجارت:** از دید اسلام این حق به مانند مسلمین برای اقلیت ها در مملکت اسلامی تضمین شده و پیروان مذاهب غیراسلامی می توانند بر طبق قوانین و کیش خود به داد و ستد و فعالیت های بازرگانی و تجاری بپردازند. البته در بعضی عهدنامه ها پیامبر اسلام موضوع رباخواری در روابط تجاری را ممنوع اعلام کردند که این مورد از برنامه های جدی دین مبین اسلام در راه مبارزه با رباخواری است.^۲

بند «۵» اصل چهل و سوم قانون اساسی منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت ها، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۳.

۲. همان.



ر با و دیگر معاملات باطل و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری را بیان می‌کند.

۳. **آزادی کشاورزی:** غیرمسلمانان نیز می‌توانند در کشور اسلامی به زراعت بپردازند، آنان در مقایسه با مسلمین علاوه بر آزادی در امر کشاورزی بر مسلمانان نیز برتری داده شده‌اند. زیرا کشاورزان مسلمان موظف به پرداخت مالیاتی به‌عنوان زکات هستند، در حالی که اهل ذمه فقط جزیه را آن هم در برابر ارائه خدمات امنیتی و دفاعی دولت اسلامی از ایشان می‌پردازند.

در مورد اراضی خراجیه نیز باید گفت آنچه اهل ذمه پرداخت می‌کنند به منزله مال‌الاجاره زمین‌هایی است که دولت اساسی در اختیار آنان قرار داده است.^۱

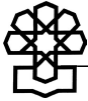
۴. **روابط آزاد اقتصادی:** مسلمین مجازند جز در مواردی که اسلام ممنوع کرده است با اهل ذمه روابط اقتصادی برقرار کنند.

رسول اکرم (ص) با یهودیان مدینه دادوستد می‌کردند یا حضرت امیر (ع) نیز رفتاری شبیه آن اعمال می‌کردند تا آنجا که در کار کشاورزی اهل ذمه اجیر آن‌ها می‌شدند.

و نیز در سایر روابط اقتصادی فرقی بین اهل ذمه و مسلمین قائل نمی‌شدند.

د) حق داشتن مسجد و آزادی در انجام مناسک دینی

این اصل از جمله آزادی‌هایی است که طبق قرارداد فی‌مابین اقلیت‌های مذهبی و حکومت اسلامی به اقلیت‌ها داده شده است. آنان می‌توانند با استفاده از این حق به‌طور انفرادی یا گروهی در معابد خود به انجام مناسک دینی بپردازند و نیز به فرزندان خود تعالیم



دینی‌شان را آموزش دهند و کسی هم حق تعرض به آنان را ندارد.

البته حضرت علی (ع) گسترش این ادیان را در کشور اسلامی صلاح نمی‌دانستند و به نوعی احداث معابد جدید را در کشور اسلامی نوعی تبلیغ دین آنان ممنوع می‌شمرد و می‌فرمود: «در اسلام احداث کنیسه نوین یا پذیرفته نمی‌شود».^۱ ولی در مورد تعمیر معابد پیامبر اکرم (ص) در منشور ۱۷ ماده‌ای خود می‌فرماید: هیچ کس حق ندارد آن‌ها را از داشتن کلیساهای خود و مرمت آن‌ها محروم کند.

در اصل سیزدهم قانون اساسی انجام مراسم دینی توسط اقلیت‌ها بر طبق آیین خود بیان شده است. در ماده (۱۸) اعلامیه: «هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به‌طور خصوصی یا عمومی است».

فصل سوم - وظایف اقلیت‌ها در برابر حکومت اسلامی

در این فصل سه مبحث وظایف اقتصادی اقلیت‌ها، وظایف دیگر و ضمانت اجرای قرارداد اهل ذمه بررسی می‌شود.

الف) وظایف اقتصادی اقلیت‌ها

۱. **پرداخت جزیه:** جزیه از ریشه جزای یا یجزی گرفته شده که در زبان عربی به دو



معنای جزا، کیفر و پاداش آمده است. اگر درباره اهل ذمه معنای نخست آن را در نظر بگیریم همان باج دادن معنی می‌شود.

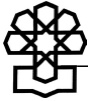
بعضی دیگر از نویسندگان معتقدند جزیه در اصل یک کلمه فارسی است که در اصل گزیه یا گزیت بوده و به معنای مالیات سرانه است که برای نخستین بار به وسیله انوشیروان پادشاه ساسانی در ایران وضع شده است. پس در واقع جزیه همان مالیات سرانه سالانه است که حکومت اسلامی از اقلیت‌های اهل کتاب (اهل ذمه) دریافت می‌کند که قرارداد ذمه را امضا کرده‌اند و در برابر آن حفاظت و رسیدگی از تمام جوانب زندگی اقلیت‌ها به دوش حاکم اسلامی می‌افتد.

کاملاً روشن است که دولت اسلامی برای تأمین امنیت و آسایش در جامعه، نیروهایی را استخدام می‌کند که اداره این نیروها هم مخارج سنگینی به دنبال دارد که باید بخشی از آن‌ها از طریق خود مردم تأمین شود.

به‌ویژه اقلیت‌ها که هنگام جنگ نیز موظف به اعزام نفرات خود به جبهه نیستند. بنابراین جزیه برای تأمین چنین مخارج و هزینه‌هایی است که از مسلمانان با عنوان زکات و خمس دریافت می‌شود. بنابراین دریافت جزیه از احکام امضایی تلقی می‌شود. سابقه آن پیش از اسلام هم نزد یونانیان، رومی‌ها، مردم قسطنطنیه، ایرانیان و بنی‌اسرائیل - نسبت به اقلیت‌ها - متداول بوده است.^۱

۲. هدف اسلام از دریافت جزیه: هدف از دریافت جزیه از اهل کتاب تنها نفع مادی آن نیست، بلکه بهترین و کاراترین شیوه‌ای است که می‌توان با اهل کتاب پیمان عدم مخاصمه بست و از در صلح و آشتی وارد شد تا هر اهل ذمه‌ای پس از معاشرت

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت‌ها، ص ۹۷.



با مسلمانان به محسنات دین مبین اسلام پی برده و چه بسا مسلمان شوند.^۱ بعضی از نویسندگان دریافت بسیار اندک جزیه (مالیات) از غیرمسلمانان در سرزمین‌های اسلامی در مقایسه با دیگر حکومت‌ها را علت سهولت مسلمین در کسب فتوحات خود می‌دانند.

در بعضی موارد اخذ باج‌های گزاف و بسیار نزدیک به جنون در تاریخ مشاهده می‌شود که آناستاز (امپراطور روم) مالیاتی برای استنشاق هوا وضع کرده بود.^۲ **۳. معاف‌شدگان از پرداخت مالیات (جزیه):** در حالی که در برخی از ممالک آن زمان حتی از غلامان نیز جزیه دریافت می‌شد.

دین اسلام از دریافت مالیات از اطفال نابالغ، دیوانگان، زنان، محجورین و فقرا، راهبان و دیرنشینان (مبلغان دینی اهل کتاب) و اسلام آوردندگان خودداری کرد.

حضرت امیر (ع) در این باره می‌فرماید: «جزیه جز بر مردان بالغ و آزاد اهل کتاب واجب نیست»^۳ پس بر بردگان، زنان و نابالغان واجب نیست.

علاوه بر این‌ها استثنائاتی در اسلام بوده مثلاً کسانی که به‌صورت‌های مختلف به حکومت اسلامی خدمات رایگان - چون سوادآموزی - می‌دهند نیز معاف هستند.

نحوه جمع‌آوری مالیات از نکات مهم این بحث است. حضرت علی (ع) به مأموران گردآوری مالیات دستور دادند که با نرم‌خویی و مدارا با مردم رفتار کنند و در جای دیگر به مأموران گفتند: «برای پرداخت مالیات، آنان را به فروش لباس تابستانی یا

۱. سرخسی، المبسوط، ج ۱۰، ص ۷۷.

۲. منتسکیو، روح القوانين، ۲۸۴.

۳. نهج البلاغه نامه ۵۱۳.



زمستانی ناگزیر مساز»^۱.

۴. نوع و میزان جزیه: در اسلام تعیین نوع و میزان جزیه به صورت وجه نقد یا جنس با توجه به وضعیت مالی اهل کتاب و نظر حاکم اسلامی است که به صورت سرانه سالانه دریافت می شود.

مقدار مالیات هم به گونه ای بوده که فرد برای پرداخت آن دچار فقر نشود و از سوی دیگر به حکومت بدبین نشود. بنابراین میزان جزیه در اسلام مشخص نشده و حاکم اسلامی موظف است با توجه به مقتضیات زمان و مکان و اوضاع اقتصادی و هزینه های تأمین امنیت مقدار جزیه را مشخص کند.

از امام صادق (ع) سؤال شد: اندازه جزیه چقدر است، حضرت فرمود: «بسته به نظر امام است که براساس درآمد و توان آنان دریافت می کند»^۲.

بنابراین دریافت یا عدم دریافت مالیات بستگی به نظر حاکم اسلامی دارد. حتی در تاریخ اسلام آمده است که گاهی اوقات پیامبر اسلام (ص) یا خلفا به طور کل جماعتی را از جزیه معاف می کردند.^۳

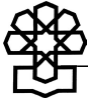
گاهی اوقات وقتی جامعه اسلامی در برابر دریافت خدمتی از اهل کتاب آنان را از پرداخت مالیات معاف می کردند. عمر به عاملان مرزها نوشت که کسانی از چابک سواران پارسی را که به کارشان نیاز است به کمک بگیرند و جزیه از آن ها بردارند.^۴ در اصل پنجاهویکم قانون اساسی «هیچ نوع مالیات وضع نمی شود مگر به موجب

۱. همان، ۵۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

۳. استاد احمد رشید، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ۲۰۱.

۴. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۸۵۵.



قانون، موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود».

۵. مبنای قرآنی دریافت جزیه: آیه ۲۹ سوره توبه مبنای قرآنی دریافت جزیه شمرده می شود که در مورد قبایل بنی قریظه و بنی نضیر نازل شده است. «کار زار کنید با کسانی که نه به خدا ایمان آوردند و نه به روز آخرت و نه حرام می دارند آنچه را که خدا و فرستاده او حرام کردند و این حق را از کسانی که کتاب به آن ها داده شد نمی پذیرند تا اینکه به دست خویش جزیه دهند و آنان خوارشدگانند».

ب) دیگر وظایف اقلیت ها

۱. اهل ذمه نباید کاری برخلاف «پیمان یا عقدالذمه» خود انجام دهند و تمام شروطی که در آن پیمان قید شده باید به طور کامل انجام دهند.

۲. پذیرش احکام اسلامی، اهل ذمه موظفند نسبت به قوانین و مقررات حکومت اسلامی تمکین کنند و اگر خلاقی مانند ارتکاب به سرقت، جنایت، هتک ناموس، غصب اموال و ... که یک طرف آن مسلمان باشد باید طبق احکام اسلامی، مجازات را بپذیرند. غیر از احوال شخصی که مطابق دین خود عمل می کنند باید پیرو احکام اسلامی باشند.^۱

۳. عدم جاسوسی و یاری رساندن به دشمنان اسلام و عدم مبادرت به اقدامات خصمانه علیه امنیت کشور اسلامی.^۲

اصل ۹ در جمهوری اسلامی ایران «آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد

۱. جامع عباسی، ۱۴۳، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۷۱، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲. همان.



یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کم‌ترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

۴. عدم تظاهر به منکرات در جامعه اسلامی.

بعضی از کارها در احکام اسلامی نکوهیده شمرده شده است، ولی در ادیان دیگر عمل ناپسند به حساب نمی‌آید. مثلاً مصرف مشروبات الکلی، خوردن گوشت خوک، نکاح با محارم و زنا و ... اینان در جامعه اسلامی باید از ارتکاب آشکار به این امور جداً پرهیزند و پنهانی این قبیل کارها را انجام دهند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «می‌توانند در خانه‌هایشان شراب بنوشند، ولی اگر آشکارا بدان دست یازند حد (مجازات مقرر) بر آنان جاری می‌شود»^۱.

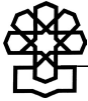
۵. مشارکت در هزینه‌های جنگ؛ این شرط از سنت نبوی و در منشور مدینه نیز آمده است «هرگاه یهودیان به همراهی مسلمانان بجنگند در هزینه‌های جنگی با مسلمانان مشارکت خواهند کرد».

۶. احترام به مقررات و شعائر دینی مسلمانان و عدم توهین به مقدسات و معتقدات مسلمین.

۷. عدم تبلیغ مذهبی؛ اهل کتاب نباید سعی در انحراف عقاید مسلمانان داشته باشند و دین خود را تبلیغ کنند.

۸. محدودیت احداث ساختمان؛ که این مورد از دو جنبه حائز اهمیت است.

۱. میرزا حسن نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۳۰.



الف) عدم احداث معابد جدید و عدم نواختن ناقوس معابد، البته مرمت و تعمیر اشکالی ندارد.

ب) عدم احداث خانه‌های بلندتر از خانه‌های مسلمین.

پرفسور بوازار اسلام‌شناس سوئیسی در این باره می‌گوید: «حدیث اسلام از هر دینی بالاتر است و هیچ دینی برتر از او نیست». «الاسلام یعلوا و لایعلی علیه» سالیان طولانی بحث شد که مسلمانان به اقلیت مذهبی اجازه ساختن کلیسایی که برج آن از مناره مسجد شهر بالاتر باشد ندهند و اصولاً به اقلیت‌ها حق ساختن خانه‌ای که از منازل مسلمانان مرتفع‌تر باشد داده نشود. این برداشت‌های غلط را نباید به حساب ایدئولوژی اسلام گذاشت و این‌طور نتیجه گرفت که در جامعه مسلمانان، نسبت به اقلیت‌ها سخت‌گیری می‌شود»^۱.

۹. عدم ورود به مساجد و اماکن متبرکه اسلامی.

ج) ضمانت اجرای قرارداد اهل ذمه

همان‌طور که می‌دانیم هر قانونی برای اجرای درست خود باید ضمانت اجرایی داشته باشد. در این‌جا سؤال این است که اگر شخصی از اهل کتاب به تعهدات و وظایف خود نسبت به حکومت اسلامی عمل نکند نظر فقهای اسلامی چیست؟

برخی از فقها معتقدند که پیمان عقدالذمه آنان باطل می‌شود و حاکم اسلامی می‌تواند یا آنان را به محل امنی در دارالحرب برساند، یا فرمان قتل او را بدهد، یا او را بنده کرده یا

۱. مارسل بوازار، اسلام حقوق بشر، ۱۲۱.



اموال او را مصادره کنند. البته اگر مسلمان شود از مجازات رها می‌شود.^۱

البته در انتخاب هر یک از این مجازات‌های گفته شده میان فقها اختلاف است، بعضی پاسخ مثبت و بعضی به دیده تردید به این مسئله نگاه می‌کنند.^۲

روش‌های مجازات (قتل، بنده کردن، مصادره اموال، همان‌طور که می‌دانیم در روش و سیره پیامبر اکرم و امامان معصوم چنین نبوده است.

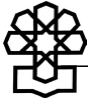
آنان سفارش کرده‌اند که جزیه از زمین با ملایمت و مدارا وصول شود و جان و مالشان از تجاوز مأمورین وصول و ولایت‌داران در امان باشد و روا نبود که زمین را برای پرداخت بدهی‌شان بزنند یا در آفتاب نگهدارند یا به طریق دیگری آزار دهند و می‌باید با آنان مدارا کنند و محبوبشان کنند تا سرانه خود را بپردازند.^۳

از این عملکرد می‌توان نتیجه گرفت که حداکثر مجازات برای عدم پرداخت جزیه در نزد پیشوایان اسلام حبس است و این که قرارداد ذمه آنان حذف نمی‌شود و حکومت اسلامی باید مجازاتی مناسب اتخاذ کند.

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۶۷ و ۲۷۷.

۲. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. دکتر حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۴۰۸.



فصل چهارم - رفتار با اقلیت‌ها

بررسی چگونگی رفتار با غیرمسلمانان علاوه بر این که رفتار مسلمانان را با آنان تبیین می‌کند، بلکه حقوق متقابل آنان و حکومت را هم مشخص می‌کند.

در زیر به بعضی از اصول رفتاری با غیرمسلمانان اشاره می‌شود.

۱. **دعوت:** دعوت افراد به قبول اسلام و هدایت آنان به راه راست یکی از اهداف اسلام است که در این راه وجود ارتباط درست میان مسلمانان و غیرمسلمانان دارای اهمیت است. اسلام پیش از توسل به جنگ و زور به دنبال هدایت افراد است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «زمانی که پیامبر مرا برای تبلیغ اسلام به یمن فرستاد، فرمود: قبل از آنکه افراد را به اسلام دعوت کنی با آن‌ها جنگ مکن و به خدا سوگند چنان‌چه خداوند به‌دست تو فردی را هدایت کند، برایت از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، بهتر است». همان‌گونه که می‌دانیم اصل ۸ قانون اساسی همگان را دعوت به خیر می‌کند.

۲. **اصل احسان:** جدای از روابط خشک و جدی قانونی بین حاکم و مردم، اسلام لزوم احسان و نیکوکاری به تمام افراد جامعه که اقلیت‌ها هم شامل آن می‌شوند را تأکید می‌کند. اسلام در واقع می‌خواهد مسلمانان با انجام دادن رفتار و کردار نیک و اشاعه این فرهنگ در اجتماع روح همکاری را وارد کرده تا به کمک یکدیگر بتوانند مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه را حل کنند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «عمل نیک خود را بر همه مردم روا دار. به درستی

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۳۶.



که نزد خدا هیچ چیز با فضیلت انجام دادن کردار نیک برابر نیست»^۱

این نکته در اصل چهاردهم قانون اساسی به طور واضح آمده است: «به حکم آیه ... دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل کنند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند...»
«در دیباچه اعلامیه حقوق بشر هدف از تنظیم آن را: «... از آنجا که گسترش روابط دوستانه میان ملت‌ها باید تشویق شود...» دانسته است.

۳. اصل همزیستی مسالمت‌آمیز: اسلام از تمام پیروان ادیان الهی می‌خواهد که براساس مشترکات بین ادیان به دور یکدیگر جمع شوند و با یکدیگر همکاری داشته باشند.

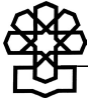
در این خصوص می‌توان به اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی اشاره کرد.
در دیباچه اعلامیه حقوق بشر «از آنجا که مردمان ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش خرد انسان و برابری حقوق مردان و زنان، دوباره در منشور ملل اعلام و عزم خود را جزم کرده‌اند که به پیشرفت اجتماعی یاری رسانند و بهترین اوضاع زندگی را در پرتو آزادی فزاینده به وجود آورند ...»

یکی از اهداف منشور سازمان ملل متحد «... عملی ساختن دگرپذیری، زیستن در حال صلح با یکدیگر و با روحیه حسن همجواری به متحد ساختن قوای خود برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ...» است.

۴. اصل تعاون: اسلام از تمام افراد جامعه اعم از اکثریت و اقلیت مردم می‌خواهد براساس تقوا که بسیاری از اختلافات را از بین می‌برد در فعالیت‌های تعاونی شرکت کنند.^۲

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم شماره ۸۶۸۵.

۲. مائده.



در بند «۱۵» اصل سوم قانون اساسی نیز «... توسعه و تحکیم برادری اساسی و تعاون عمومی بین همه مردم ...» ذکر شده است.

۵. اصل انصاف: اسلام حاکم جامعه اسلامی را به رعایت اصل انصاف میان تمام افراد جامعه امر می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «بین خدا و مردم از یک طرف و خویشتن و خواص دودمانت و هر که از مردم جامعه که تمایلی به او داری از طرف دیگر انصاف داشته باش».

حضرت اجرا نشدن این اصل را مساوی ظلم و نتیجه ظلم به مردم را خصومت الهی می‌داند، در واقع به حالت محاربه با خداوند می‌انجامد، مگر آنکه جبران کند و راه توبه در پیش بگیرد.

۶. اصل وفای به عقود: در قرآن آیات مختلفی در مورد وفای به عقود وجود دارد. مضمون این اصل این است که انسان باید بدون توجه به این‌که طرف قراردادش چه کسی است به تمام قرارداد و پیمانش پایبند باشد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید «اصل دین رد امانت و وفای به عقود است»^۱ وفای به عقود از سنت‌هایی است که خداوند برای بهبود زندگی بشر فارغ از هر دین و مذهبی مقرر کرده است.

۷. اصل نفی سبیل: نفی سبیل به معنای نفی هرگونه سلطه کفار بر مسلمین است آیه شریفه‌ای از سوره نساء ریشه آن محسوب می‌شود.

ولن یعجل يجعل الله الكافرين على المؤمنين سبيلاً^۲.

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم شماره ۱۷۶۲.

۲. نساء ۴: ۱۴۱.



در بند «ج» اصل دوم قانون اساسی یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی را «... نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی بر می‌شمارد».

در جای دیگر «... محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی»^۱ و «... طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب...»^۲ در قانون از وظایف دولت بیان شده است.

۸. **اصل احترام به سنت‌ها:** از آنجایی که روش‌های پسندیده فقط شامل اکثریت غالب یک کشور نیست، لزوم احترام به تمام سنت‌های حسنه در اسلام تأکید شده است.

حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «هرگز سنت نیکی را که موجب وفاق مردم شده و توده مردم بر مبنای آن اصلاح شدند نادیده نگیرید».^۳

احترام به شیوه‌های نیک اقلیت موجب گردهمایی گروه‌های اقلیت در کنار اکثریت مسلمان می‌شود.

قانون اساسی یکی از وظایف دولت را «... ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی...» در جامعه می‌داند.^۴

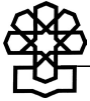
۹. **اصل تألیف قلوب:** تألیف قلوب به معنی ایجاد الفت و مهربانی در دل‌هاست. با توسل بر چشم‌پوشی از خطای مردم و عفو و گذشت تا حد امکان و برطرف کردن حقد و کینه می‌توان روابط دوستانه و حسنه‌ای میان تمام گروه‌ها چه اقلیت و چه

۱. بند «۶» اصل ۳ قانون اساسی.

۲. بند «۵» اصل ۳ قانون اساسی.

۳. جعفری، محمد تقی، اصول حکمت سیاسی اسلام، چاپ دوم، تهران، بنیاد نهج‌البلاغه.

۴. بند «۱» اصل ۳ قانون اساسی.



اکثریت ایجاد کرد که همگی آن‌ها به حقوق خود نائل شوند.^۱

۱۰. **اصل رسیدگی به احتیاجات:** از دیگر وظایف حاکم اسلامی برطرف کردن نیازهای اقشار مختلف جامعه بدون فوت وقت است.

یکی از وظایف دولت در اصل بیست‌ونهم «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی...» است. این مطلب در ماده (۲۵) اعلامیه حقوق بشر نیز وجود دارد.^۲

۱. راعی، مسعود، حقوق اقلیت‌ها در نظام علوی، نشریه معرفت، شماره ۳۷.

۲. بند «۱۴» اصل ۳.

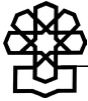


نتیجه‌گیری

مسئله اقلیت‌ها در فرهنگ و تعالیم اسلامی مسئله بنیادی است. این فرهنگ در روزهای آغازین خود در سنت نبوی و علوی شکل گرفت و به مسئله اقلیت‌ها توجه ویژه شد. زمانی که جامعه بشری برای قشر اقلیت حق حیاتی قائل نبود، در اسلام اصولی تدوین شد که آن‌ها در چارچوب حکومت اسلامی حق حیات پیدا کردند. البته برای روابط اقلیت‌ها با اکثریت مردم و حکومت اسلامی قوانین ویژه وضع شد تا تعاملی منطقی و پایاپای آن‌ها از نظر وضع بشری سامان گیرد و حتی فراتر رود. این قوانین دو جانبه میان مسلمانان و اقلیت‌ها به گونه‌ای شکل گرفته که هر دو موظف به رعایت آن‌ها بوده‌اند.

مانند پرداخت جزیه از سوی اقلیت‌ها و وظیفه حفظ جان، ناموس، مال و اداره امور آن‌ها از سوی حکومت اسلامی.

این شیوه در جمهوری اسلامی ایران دنبال شد و حتی اقلیت‌های دینی مانند کلیمیان، زرتشتیان و مسیحیان نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند و این اصل برای تمام مردم در جامعه اسلامی با توجه به سنت نبوی و علوی پذیرفته شده است. در این گزارش تلاش شد که شمه‌ای از حقوق اقلیت‌ها در حکومت اسلامی آورده شود و تطبیقی هر چند اجمالی با قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر قوانین ملل صورت گیرد تا وضعیت آرمانی و واقعی در جامعه کنونی روشن شود.



منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ولایی، عیسی، مبانی سیاست در اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷.
۴. حجتی کرمانی، علی، اسلام آیین زندگی، کانون انتشار، چاپ مشعل آزادی، ۱۳۵۱.
۵. خفاجی، شذی، حقوق اقلیت‌ها در حکومت اسلامی، ترجمه مهدی حسینیان، حکومت اسلامی، پائیز ۱۳۷۸.
۶. بوازار، مارسل، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مویدی.
۷. پورجوهری، کامران، حقوق بیگانگان و اقلیت‌ها در اسلام، نشریه رسالت.
۸. شفائی، حسین، اسلام و حکومت، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷.
۹. صرامی، سیف‌ا...، حقوق مردم و حکومت و دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۱.
۱۰. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵.
۱۱. سالک، حمید، حقوق اقلیت‌ها در اندیشه و سیره امام علی (ع)، امام اول، نشریه فرهنگ مشارکت، شماره ۲۵.
۱۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱.
۱۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱.
۱۴. ابویوسف، کتاب الخراج.
۱۵. صرامی، سیف‌ا...، احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر.
۱۶. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲.
۱۷. ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۴.
۱۸. امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، ج ۲.
۱۹. سیدامیرعلی، روح الاسلام.



۲۰. عبدالواحد بن محمد آمدی، غررالحکم و دررالکم.
۲۱. شیخ الاسلامی، اسعد، حقوق اقلیت‌های دینی در اسلام.
۲۲. طوسی، الاستبصار، ج ۴.
۲۳. سرخسی، المبسوط.
۲۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴.
۲۵. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۷.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار.
۲۷. ابو عبید، الاموال.
۲۸. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تهران، اسلامی، ۱۴۰۱ هـ ق.
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت‌ها، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۳۰. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ۱۶ و ۱۸، انتشارات السلامیه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۳۱. استاد احمد رشید، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی.
۳۲. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری.
۳۳. دکتر حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام.
۳۴. جامع عباسی، جواهرالکلام، ج ۲۱.
۳۵. محقق حلی، شرایع الاسلام.
۳۶. سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، ج ۲.
۳۷. شریعتی، روح‌ا...، اقلیت‌های دینی، دفتر شانزدهم، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵.
۳۸. راعی، مسعود، حقوق اقلیت‌ها در نظام علوی، نشریه معرفت، شماره ۳۷.
۳۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۰.
۴۰. منصور، جهانگیر، قوانین و مقررات مربوط به انتخابات جمهوری اسلامی ایران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۱.
۴۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴۲. جانسون، گن، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، نشرنی، ۱۳۷۷.
۴۳. منشور سازمان ملل متحد.



شماره مسلسل: ۸۶۳۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: حقوق اقلیت‌ها در حکومت اسلامی (با محوریت سنت نبوی و علوی)
Report Title: Monority Rijhtin Islamic Govrment (With Centerelity
On Alavi And Nabavi Sonn)

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه مطالعات بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: سیده مرضیه موسوی‌راد

ناظر علمی: سید یونس ادیانی

مقتاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها: —

منابع و مآخذ تهیه گزارش:

در انتهای گزارش درج شده است.

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۸/۹